

روزشمار جنگ

دوشنبه

۹ شهریور ۱۳۶۰

۱ ذیقعدة ۱۴۰۱

۳۱ اوت ۱۹۸۱

۵۶۶

شهرهای آبادان، دزفول و شادگان هدف حملات توپخانه‌ای ارتش متجاوز عراق قرار گرفتند. امروز به حریم هوایی سردشت نیز در ۴ نوبت تجاوز شد.

بر اثر اصابت گلوله توپخانه ارتش عراق به مناطق مسکونی شهر آبادان ۲ نفر از اهالی شهر شهید و ۵ نفر مجروح شدند.^(۱)

روز گذشته نیز در گلوله‌باران این شهر ۱۹ نفر زخمی و ۴ منزل مسکونی و یک مهدکودک تخریب شد. علاوه بر این در شهر دزفول هم که به طور پراکنده زیر آتش توپخانه‌های عراق قرار داشت، یک گلوله توپ به اطراف میدان کوی‌تان اصابت کرد و ۵ تن مجروح شدند و ۲ منزل مسکونی هم آسیب دید.^(۲)

امروز همچنین، ارتش عراق شهر شادگان را هدف حمله قرار داد. این حملات آسیب جانی نداشت، اما اصابت ترکش به لوله ۴۰ اینچی آب شهر موجب قطع آن و وارد آمدن خسارت‌هایی به شبکه آب‌رسانی شهر شد.^(۳)

علاوه بر این هواپیماهای عراقی امروز، ۴ بار به حریم هوایی سردشت تجاوز کردند که با واکنش به موقع پدافند هوایی مستقر در منطقه بدون هیچ اقدامی متواری شدند.^(۴)

۵۶۷

با پاک‌سازی ۵ روستا در آذربایجان غربی، شماری از افراد گروه‌های مسلح غیرقانونی دستگیر شدند و تعدادی اسلحه و مهمات به دست آمد. امروز همچنین نیروهای خودی در اطراف ارومیه با افراد حزب دمکرات درگیر شدند.

در ادامه پاک‌سازی برخی روستاهای استان آذربایجان غربی در غرب و شمال غرب ارومیه، امروز ۳ روستای ملوند، کل شیخان و بانی در جنوب منطقه مرزی سرو پاک‌سازی شد. در این عملیات یک دستگاه جیب و یک وانت بار از افراد گروه‌های ضدانقلاب به غنیمت گرفته شد.^(۵)

نیروهای خودی در بخش سیلوانا در جنوب غربی ارومیه نیز چند روستا از جمله پسان و لورزینی را آزاد و ۵ نفر از افراد گروه‌های مسلح غیرقانونی را دستگیر کردند که از آنها تعدادی سلاح و مهمات به دست آمد.^(۶)

همچنین در درگیری نیروهای خودی و عوامل حزب دمکرات که در حوالی روستای نی‌چالان (واقع در ۳۰ کیلومتری شمال غربی ارومیه)، رخ داد، ۲ نفر از افراد این حزب کشته و ۲ تن نیز دستگیر شدند؛ بقیه عوامل این حزب هم به ارتفاعات منطقه گریختند. در این درگیری یک موشک‌انداز بازوکا، یک قبضه خمپاره ۶۰ میلی‌متری، یک تیربار ژ ۳ و ۵ اسلحه انفرادی به دست نیروهای خودی افتاد.^(۷)

۵۶۸

در درگیری‌های چند روز اخیر اعضای حزب دمکرات کردستان ایران و گروه رزگاری با عناصر کومه‌له در منطقه کامیاران، ۲۵ نفر از افراد دو طرف کشته شدند. به گزارش سپاه پاسداران غرب کشور، یکی از اعضای برجسته حزب دمکرات و سرپرست شاخه کامیاران این حزب نیز در شمار کشته‌شدگان بوده‌اند. همچنین ۶ نفر از دمکرات‌ها به اسارت کومه‌له درآمده‌اند.^(۸)

۵۶۹

افراد ضدانقلاب امروز در تهران، ارومیه، قائم‌شهر و بابل اقدام به ترور چند تن از مسئولان نهادهای دولتی، نیروهای بسیج و افراد متعهد کردند.

در نخستین ساعات صبح امروز، حجت‌الاسلام حاج مرتضی آیت‌اللهی طباطبایی یزدی امام‌جماعت مسجد خرقانی، (واقع در خیابان بهار) در نزدیکی منزل خود در خیابان خواجه نظام‌الملک تهران، هدف سوءقصد دو موتورسوار مسلح قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید. ضارب‌ان پس از این اقدام متواری شدند.^(۹)

در حادثه دیگری حجت‌الاسلام ناصر بنی‌جمالی مدیر داخلی دادگاه مبارزه با منکرات و محمدتقی مرغوبکار پاسدار این دادگاه و سرپرست بخش تربیت‌بدنی اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۴ تهران، درحالی‌که با موتورسیکلت از خیابان شهید بهشتی عبور می‌کردند، مقابل پارکینگ سینما شهر قشنگ، هدف حمله سرنشینان مسلح دو اتومبیل قرار گرفته، به شهادت رسیدند. مهاجمان نیز گریختند.^(۱۰)

همچنین ساعت ۲۰ امشب، افراد وابسته به گروه‌های ضدانقلاب یکی از کاسبان متعهد ارومیه را در داخل ماشینش ترور کردند. این فرد بر اثر اصابت تیر به شهادت رسید.^(۱۱)

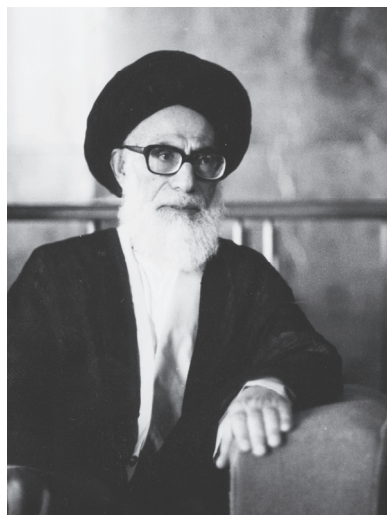
در دروازه ورودی قائم‌شهر هم افراد بسیج که به سرنشینان یک اتومبیل مشکوک شده بودند، در حین بازرسی از این خودرو هدف تیراندازی یکی از سرنشینان آن قرار گرفتند. در این

حادثه یکی از نیروهای بسیج به نام جعفر حسن‌زاده کفشگر کلاهی شهید و دیگری نیز مجروح شد. ضارب پس از این اقدام به جنگل‌های اطراف گریخت، اما با حضور مردم و نیروهای کمیته و پس از تعقیب و گریز دستگیر شد. از این فرد یک کلت کمری با ۵ فشنگ و قرص سیانور به دست آمد.^(۱۲)

در بابل، تلاش یکی از افراد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) برای ترور صاحب یک مغازه کفاشی در خیابان چهارشنبه پیش این شهر، به دلیل مقاومت و درگیر شدن صاحب مغازه با وی، ناکام ماند. فرد مهاجم هنگام فرار توسط این کاسب و یک رهگذر دستگیر و تحویل مراجع ذیصلاح شد.^(۱۳)

۵۷۰

افراد گروه‌های ضدانقلاب به‌ویژه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) هم‌زمان با برپایی مراسم راهپیمایی به مناسبت شهادت رجایی و باهنر در شهرهای مختلف کشور، سعی در ایجاد اغتشاش داشتند که با هشیاری مردم و نیروهای سپاه پاسداران شماری از آنها دستگیر شدند. در مراسم تشییع پیکر شهیدان رجایی و باهنر از مقابل مجلس شورای اسلامی در خیابان امام خمینی تهران، مردم اتومبیلی را که در آن بمبی قوی کار گذاشته شده بود شناسایی و مأموران را مطلع کردند و در نتیجه بمب خنثی شد. دقایقی بعد، یکی از افراد ضدانقلاب که قصد پرتاب نارنجک به میان مردم را داشت شناسایی و دستگیر شد.^(۱۴)



طرح ترور آیت‌الله عبدالحسین دستغیب امام‌جمعه شیراز ناکام ماند.

در شیراز هم نیروهای سپاه پاسداران با همکاری مردم یکی از افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق را که در مراسم راهپیمایی به مناسبت شهادت رجایی و باهنر قصد پرتاب نارنجک به سوی آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب امام‌جمعه این شهر را داشت، دستگیر کردند.^(۱۵)

یکی دیگر از افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی که قصد داشت بمب دست‌سازی را به میان راهپیمایان در بروجرد پرتاب کند، با هوشیاری افراد سپاه پاسداران دستگیر شد. همچنین در پرتاب و انفجار یک بمب دست‌ساز به ساختمان روابط عمومی این شهر ۳ نفر مجروح شدند.^(۱۶)

هم‌زمان با راهپیمایی مردم لنگرود، ۱۵ نفر از افراد سازمان مجاهدین خلق شناسایی و دستگیر شدند. در اراک و خمین نیز در راهپیمایی و بازرسی از

چند منزل، ۶۰ فرد مشکوک دستگیر شدند که ۱۰ نفر از آنان از افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق و پیکار بودند. از دستگیرشدگان تعدادی سلاح گرم و سرد از جمله چندین فشنگ ۳ و کالیبر ۵۰ و چندین بمب دست‌ساز و خنجر به دست آمد.^(۱۷)

در مشهد هم چند تن از افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق شناسایی و دستگیر شدند. این افراد با حضور در میان مردمی که با شنیدن خبر شهادت رجایی و باهنر، مقابل کمیته انقلاب اسلامی این شهر تجمع کرده بودند، قصد ایجاد اغتشاش داشتند.^(۱۸)

به گزارش کمیته مرکزی بابل، در مراسم مشابهی که در این شهر برپا شده بود ۳۸ نفر از هواداران سازمان مذکور شناسایی و دستگیر شدند.^(۱۹) علاوه بر این واحد گشتی کمیته یکی از اعضای نظامی این سازمان را که از تربت حیدریه به بابل آمده بود درحالی که یک قبضه کلت با خشاب و ۵ فشنگ به همراه داشت در خیابان مدرس بابل دستگیر کردند.^(۲۰)

در کرمانشاه هم در هنگام راه‌پیمایی، ۱۵ نفر از هواداران سازمان؛ از جمله دو دختر یکی به دلیل تیراندازی به سوی مردم و دیگری هم به سبب همراه داشتن نارنجک دستگیر شدند.^(۲۱)

۵۷۱

در چند عملیات جداگانه ۹ تن از عناصر مسلح وابسته به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) دستگیر شدند و یک نفر نیز کشته شد.

یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق درحالی که یک اسلحه یوزی با خشاب‌های پُر همراه داشت در منطقه نارمک تهران شناسایی و دستگیر شد.^(۲۲)

در صومعه‌سرا نیز با هماهنگی نیروهای بسیج در دو روستای حومه شهر، ۸ نفر از وابستگان به این سازمان بازداشت شدند. از خانه یکی از این افراد مقداری مهمات شامل تیر ضد‌هوایی، کالیبر ۵۰، ژ ۳ و تعدادی اسناد سازمانی به دست آمد.^(۲۳)

در رشت هم در یک عملیات تعقیب و مراقبت، یکی از اعضای شاخه نظامی سازمان مجاهدین خلق درحال فرار با شلیک گلوله پاسداران از پا درآمد.^(۲۴)

۵۷۲

انفجار ۲ بمب در شیراز تلفات و خسارت‌هایی را در پی داشت. تعدادی اسلحه و مهمات نیز در تهران کشف شد.

سحرگاه امروز، بر اثر انفجار یک بمب بسیار قوی در خیابان جنب میدان تره‌بار شیراز، ۱۰ مغازه تخریب و ۲ نفر (یک پیرزن و یک کودک شیرخوار) شهید و ۶ تن نیز مجروح شدند. شدت این انفجار به حدی بود که یک کمپرسی که بمب کنار آن قرار داشت، حدود ۳۰ متر پرتاب شد و حدود ۴۰ مغازه آسیب دید، تا شعاع یک‌صد متری نیز شیشه‌های منازل و مغازه‌ها شکست.^(۲۵)

در حادثه دیگری در همین شهر، بمبی که درون یک دیگ زودپز تعبیه شده و کنار ساختمان خوابگاه پرستاران واقع در خیابان خلیلی، کار گذاشته شده بود منفجر شد، اما کسی آسیب ندید.^(۲۶) امروز همچنین مأموران کلانتری تهرانپارس در حین گشت در خیابان ۱۸۴ غربی، به یک اتومبیل تویوتا با پلاک آبادان مشکوک شدند. پس از بازرسی داخل این خودرو، که براساس قراین و شواهد به نظر می‌رسد متعلق به گروه‌های مسلح غیرقانونی باشد، ۲ اسلحه ژ ۳، یک اسلحه یوزی، ۲ نارنجک جنگی و ۶ خشاب پُر ژ ۳ کشف شد.^(۲۷)

۵۷۳

در چند مورد پرتاب نارنجک و انواع بمب در شهرهای مختلف یک نفر شهید و ۴ نفر مجروح شدند و خساراتی به بار آمد.

در کرمانشاه، بر اثر پرتاب نارنجک به داخل منزل مسکونی یکی از اعضای بسیج مقاومت شهری، وی مجروح شد و مادر این فرد به نام فاطمه دارابی به شهادت رسید.^(۲۸) همچنین ساعت ۲ بامداد امروز، چند فرد مسلح حین عبور از مقابل منزل یکی از روحانیون شهر کرمانشاه به سمت در منزل وی تیراندازی کردند که با عکس‌العمل محافظان منزل متواری شدند. در این حادثه به کسی آسیب نرسید.^(۲۹)

صبح امروز بمب دست‌سازی به داخل ساختمان روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان بروجرد پرتاب شد که بر اثر انفجار آن ۳ نفر از نیروهای سپاه مجروح شدند.^(۳۰) در چالوس نیز نیمه‌های شب، دو بمب دست‌ساز از پنجره به داخل ساختمان بنیاد مسکن این شهر پرتاب شد که انفجار یکی از آنها خسارات زیادی به بار آورد.^(۳۱) انفجار یک بمب دست‌ساز ساعتی در محل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان شوشتر هم خسارات جزئی در پی داشت.^(۳۲)

در شهرهای تایباد (استان خراسان)، شیراز و ملکان (استان آذربایجان شرقی) نیز پرتاب بمب‌های دست‌ساز و آتش‌زا و نارنجک، به منازل و مغازه‌های افراد متعهد خسارت‌های اندکی وارد کرد.^(۳۳)

۵۷۴

صبح امروز امام خمینی در حسینیه جماران در جمع اقشار مختلف مردم در مورد مسائل جاری کشور سخن گفتند.

محور اصلی سخنان امام خمینی در این دیدار شهادت رجایی و باهنر بود. ایشان در ابتدای صحبت‌هایشان با بیان اینکه منطق مردم ایران، منطق قرآن است و همین امر دلیل انسجام آنان در مقابل دشمنان است، به شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر اشاره کرده و گفتند: «آقای رجایی و باهنر هر دو شهیدی که باهم در جبهه‌های نبرد با قدرت‌های فاسد، هم‌جنگ و

هم‌رزم بودند. و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بوده‌ام و خداوند خواست که باهم از دنیا هجرت کنند و به‌سوی او هجرت کنند. کسی که هجرت را به‌سوی خدا می‌داند و شهادت را فوز عظیم می‌داند، و شهادتی که در صدر اسلام و از صدر اسلام تاکنون داده است عالی‌تر و بالاتر از تمام افرادی هستند که در این قرن موجودند. مثل علی‌بن‌ابی‌طالب - سلام الله علیه - و حسن‌بن‌علی - سلام الله علیه - و حسین‌بن‌علی و اصحاب او - سلام الله علیهم - و سایر ائمه ما - علیهم السلام - آنها همه عمر خودشان را صرف کردند تا اسلام را حفظ کنند و ما هم تمام عمرمان را باید صرف کنیم تا اسلام را که به دست ما سپرده [شده] است، حفظ کنیم.

من درعین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است، درعین حال، می‌دانم که آنها به رفیق اعلی متصل شده‌اند و برای آنها آرامش هست و این‌طور گرفتاری‌هایی که الآن برای ما هست، دیگر برای آنها نیست و آنها رسیدند به مطلوب خودشان و از این جهت، به آنها و به خانواده‌های آنها و ملت اسلامی تبریک عرض می‌کنم که چنین شهادتی تقدیم می‌کنند. در عین حالی که مصائب اینها مشکل است برای ما، لکن کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده‌اند تا همچو شهادتی تقدیم کنند و هیچ راه عقب‌نشینی ندارند و فکر نمی‌کنند به سستی.

امام خمینی سپس درمورد عاملان این حادثه و تدبیر جمهوری اسلامی برای جبران ضایعه، با اشاره به وجهه مردمی مسئولان و بی‌تأثیر بودن این وقایع در استحکام و قوت نظام، افزودند: «آن کوردلانی که گمان کرده‌اند که جمهوری اسلامی با نبود چند نفر از بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند و از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان مادی [است] و برای دنیا کار می‌کنند و به هوای دنیا هستند. باید دید که اینهایی که این‌طور کارها را انجام می‌دهند، انگیزه آنها چیست. انگیزه آنها این است که برای این ملت، بعد یک دسته دیگری از صنف خودشان بیایند و حکومت کنند؟ اینها مگر نشناخته‌اند این ملت را که کسی که انحراف دارد از اسلام و کسی که سرکرده تروریست‌هاست، کسانی که سرکرده اینها هستند و اینها را وادار به خرابکاری می‌کنند، در بین ملت جای ندارند؟ ... جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت یک فردی را می‌آورند و خود ملت یک فردی را کنار می‌گذارند و خود ملت [اگر] فردی شهید شد، به‌جای او باز یکی را انتخاب می‌کنند و خود را از دولت می‌دانند و دولت را از خود می‌دانند و خود را از رئیس‌جمهوری مکتبی می‌دانند و رئیس‌جمهور شهید بشود، نخست‌وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود ملت ما هیچ خم به ابرو نمی‌آورند و کسان دیگر را به‌جای آنها انتخاب می‌کنند.»

رهبر انقلاب درمورد مقاومت و پایداری مردم در مواجهه با این‌گونه حوادث گفتند: «من می‌دانم که در خارج، الآن عنصرهایی که با این جمهوری اسلامی، بلکه با اسلام مخالف هستند و بوق‌های

خارج و تبلیغاتی خواهند گفت که این دو نفر که شهید شدند، ایران به هم می‌خورد و خواهند گفت که در عزای اینها، مردم بی‌تفاوت بودند و یا خوشحال بودند و آنها با اینکه می‌دانند، کوردلانه این‌طور انتشارات و تبلیغات را انجام می‌دهند. الآن ببینند که سرتاسر کشور ما امروز در سوگ هستند و در همه خیابان‌ها و کوچه‌ها و بازارها در سوگ نشسته‌اند و الآن که به من اطلاع دادند، گفتند امروز در اطراف دانشگاه جمعیت بیشتر از آن وقتی است که ۷۲ تن شهید شدند. ملت ما این‌طور است. اگر بعد از این هم - خدای‌نخواسته - اشخاصی شهید بشوند، ملت ما همین ملت است و نهضت ما همین نهضت و آن عمده این است که کاری که برای خداست، نه برای افراد، نه برای اشخاص، نه برای شخصیت‌ها، این کار رکود نمی‌کند با رفتن افراد و با رفتن شخصیت‌ها. کشوری از رفتن شخصیت‌های خود تزلزل پیدا می‌کند که ملت او و افراد آن ملت دل به شخص بسته باشند، دل به اشخاص بسته باشند. اما کشوری که دل او به خدا پیوسته است و برای خدا قیام کرده است و از اول، "نه شرقی و نه غربی و جمهوری اسلامی" را ندا داده است و بانگ "الله اکبر"، صغیر و کبیر و زن و مردش در صحنه حاضر شده‌اند و این نهضت را و این انقلاب را به پا کرده‌اند، همین ملت هستند؛ برای اینکه خدا هست. رجایی و دیگران اگر نیستند، خدا هست.»

ایشان در پایان افزودند: «و گمان نکنید که اینها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می‌دهند، یک بمب در یک جا منفجر کردن، یک بچه دوازده ساله هم می‌تواند او را بگیرد یک جایی بگذارد و خود او منفجر بشود. این قدرتی نیست، این کمال ضعف است. من ابن ملجم* را از اینها مردتر می‌دانم؛ برای اینکه او آمد در حضور مردم، کار خودش را کرد و خداوند او را لعنت کند و اینها آن مردانگی آن نامرد را هم ندارند و به‌طور دزدی یک کاری انجام می‌دهند و خودشان را اصلاً ظاهر نمی‌کنند. من آن عباس آقا که صدراعظم ایران** را در نزدیک مجلس با هفت تیر زد در حضور همه و خودش را بعد هم دید گرفتار می‌شود، کشت، او را مرد می‌دانم و اینها را نامرد. اینهایی که از اینجا فرار کردند و از خارج دستور می‌دهند که مردم را اغتیال*** کنند و به‌طور دزدکی بکشند، اینها تز نامرده‌است.

من امیدوارم که کشور ما به همان‌طوری که در مقابل همه قدرت‌ها ایستاد و ایستادگی کرد و زن و مردش و جوان و پیرمردش و بچه و بزرگش در مقابل، مشت‌ها را گره کرد و ایستاد و قدرت‌های بزرگ را از مملکت راند و به جهنم فرستاد، ان‌شاءالله، الآن هم در صحنه هستند و همه اینها ایستاده‌اند در مقابل این‌طور گرفتاری‌ها صبر می‌کنند.»^(۲۴)

* عبدالرحمن ابن ملجم، قاتل حضرت امیرالمؤمنین علی (ع).

** اشاره است به حادثه ترور علی‌اصغر خان اتابک (امین السلطان صدراعظم محمدعلی شاه قاجار) به‌دست عباس آقا

تبریزی در تهران.

*** ترور کردن.

۵۷۵

پیکرهای سوخته* شهیدان انفجار ساختمان نخست‌وزیری صبح امروز با حضور گسترده مردم سیاه‌پوش و عزادار تهران از مقابل مجلس شورای اسلامی در خیابان امام خمینی تا میدان حسن آباد تشییع و از آنجا با آمبولانس به بهشت زهرا منتقل و به خاک سپرده شد.**

قبل از تشییع پیکرهای شهیدان محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور، محمدجواد باهنر نخست‌وزیر و عبدالحسین دفتریان*** مسئول امور مالی نخست‌وزیری، چند تن از نمایندگان مجلس از فراز ایوان ضلع جنوبی مجلس خطاب به مردم سخنان کوتاهی بیان کردند و عموماً خواستار حفاظت بیشتر از شخصیت‌ها و اماکن مهم کشور و برخورد شدیدتر مقامات امنیتی و قضایی با عاملان این حادثه شدند.*** (۳۵)

حضور مردم در این مراسم در رسانه‌های غربی بازتاب گسترده‌ای داشت؛ و به‌نوعی از ناامیدی آنان از سقوط جمهوری اسلامی حکایت می‌کرد.

رادیو صدای آمریکا درمورد حضور مردم و واکنش مقامات امریکایی به این واقعه گفت: «بیش از یک میلیون نفر در تهران در تشییع جنازه محمدعلی رجایی رئیس‌جمهوری و محمدجواد باهنر نخست‌وزیر شرکت کردند. بسیاری از شرکت‌کنندگان شعارهای ضد امریکایی می‌دادند. دو مقام مزبور در بمب‌گذاری روز یکشنبه در کاخ نخست‌وزیری به قتل رسیده بودند. رهبران ایران تهدید کرده‌اند که به تصمیم تازه‌ای در میان مخالفان رژیم دست خواهند زد و اعلام کرده‌اند که ترورهای بعدی، انقلاب اسلامی را به عقب‌نشینی مجبور نخواهد کرد. آیت‌الله خمینی گفت

* آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب *عبور از بحران* می‌نویسد: «جنازه‌ها را [که] به سالن مجلس آوردند، مشاهده کردم. سخت سوخته بودند. آقایان باهنر و رجایی را فقط از دندان‌های طلای جلو دهان و آسیایشان می‌شد تشخیص داد. علامت دیگری نمانده بود. مقداری گوشت هم در کیسه نایلونی کرده بودند: به‌عنوان فرد دیگری به نام مسعود کشمیری، منشی جلسه.» (اکبر هاشمی رفسنجانی، *عبور از بحران* (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰)، به اهتمام یاسر هاشمی، تهران: نشر معارف انقلاب، چاپ نهم ۱۳۸۶، ص ۲۱۹)؛ سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه مجلس شورای اسلامی درباره حضور مردم در مراسم تشییع شهدای حادثه انفجار ساختمان نخست‌وزیری در ضمیمه اول این گزارش آمده است.

** توضیحات بیشتر درخصوص نحوه نفوذ کشمیری در نهاد نخست‌وزیری در ضمیمه دوم گزارش درج شده است. *** در اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های رسمی نام جنازه سوم، مسعود کشمیری اعلام شد. مسعود کشمیری کارمند نخست‌وزیری و منشی جلسه شورای امنیت، عامل انفجار بود. این کار برای آن بود که مسئولان سازمان مجاهدین خلق فکر کنند نظام نمی‌داند که مسعود کشمیری عامل انفجار بوده و از غفلت آنها برای دستگیر کردن او استفاده شود. در بررسی‌های بعدی مشخص شد که پیکر سوم مربوط به عبدالحسین دفتریان مسئول امور مالی نخست‌وزیری است و مسعود کشمیری که مسبب حادثه بوده متواری شده است. (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام*، به کوشش جمعی از پژوهشگران، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۶۳۰)

**** در این مراسم فخرالدین حجازی، صادق خلخالی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، عبدالمجید معادیخواه، سرهنگ موسی نامجو و هاشمی رفسنجانی سخنرانی کردند.



پیکر شهدای انفجار در ساختمان نخست‌وزیری با حضور بیش از یک میلیون نفر از مقابل مجلس شورای اسلامی تا بهشت زهرا تشییع شد.

به‌جای رهبرانی که به قتل رسیده‌اند رهبران جدیدی انتخاب خواهند شد.

هیچ گروهی مسئولیت بمب‌گذاری را به عهده نگرفته است. مقامات حکومت‌های امریکا، عراق، گروه چپ‌گرای مجاهدین خلق و بنی‌صدر رئیس‌جمهور مخلوع، حکومت اسلامی را مقصر دانسته‌اند. در واشنگتن سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفت: حاضر نیست با پاسخ‌گفتن به اتهام حکومت ایران مبنی بر دست‌داشتن امریکا در حادثه بمب‌گذاری به این حرف اعتباری برساند و آن را جدی تلقی کند. یک شورای دونفره، ریاست‌جمهوری قوه مجریه را در ایران در دست گرفته است. دو عضو شورا عبارت‌اند از هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس [شورای] اسلامی و آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان‌عالی کشور. به موجب قانون اساسی اسلامی انتخابات جدید ریاست‌جمهوری می‌باید ظرف پنجاه روز انجام شود.^(۳۶)

روزنامه لومتن هم در سرمقاله خود شرکت بیش از یک میلیون نفر در مراسم تشییع

جنازه رجایی و باهنر را نشانه سقوط ناپذیری جمهوری اسلامی در ایران دانست. روزنامه *اومانیته* (چاپ پاریس) نیز نوشت: شرکت بیش از یک میلیون نفر در مراسم تشییع جنازه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در ایران از حمایت مردمی قابل توجهی برخوردار است. ادامه حیات جمهوری اسلامی در ایران را در این وضعیت فقط باید مرهون این حمایت دانست. این حمایت مردمی رابطه مستقیم با نقش امام دارد.^(۳۷)

اومانیته اضافه کرد: بدون شک این مراسم که به تظاهراتی علیه دشمنان انقلاب بدل شده بود بایستی آنهایی را که در هر سوء قصد، واژگونی قریب الوقوع جمهوری اسلامی را اعلام می‌دارند به اندیشه وادارد. ... وسعت لطمات و آسیب هرچه باشد یک مسئله سیاسی جلب نظر می‌کند و آن پشتیبانی و حمایت عظیم مردم از رهبران خود می‌باشد.^(۳۸)

۵۷۶

در پی شهادت محمدجواد باهنر نخست‌وزیر و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، شورای مرکزی این حزب در جلسه عصر امروز خود به اتفاق آراء، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای امام جمعه تهران و نماینده امام در شورای عالی دفاع را به عنوان دبیرکل این حزب برگزید.^(۳۹)

۵۷۷

مسعود رجوی با صدور اطلاعیه‌ای صحت اخبار منتشر شده از جانب دفتر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در لندن مبنی بر دست داشتن این سازمان در انفجار ساختمان نخست‌وزیری را باتوجه به عواقب حقوقی و بین‌المللی آن، مورد تردید قرار داد.^{*} باوجود این، اغلب رسانه‌های خارجی در تحلیل‌هایشان بر دخالت سازمان مجاهدین خلق در این انفجار تأکید کردند.

خبرگزاری فرانسه از پاریس گزارش داد که رجوی در یک برنامه رادیویی گفته است: «خمینی تمام شده است و ناچار است برود.» وی در بخش دیگری از سخنان خود افزوده است: «این انفجار چندان مهم نیست، مهم خشم مردم است.»^(۴۰) این خبرگزاری در ادامه اضافه کرد: رجوی رهبر مجاهدین خلق، به طور غیررسمی گفته است فکر نمی‌کند این سازمان مسئول بمب‌گذاری در تهران باشد. وی با اشاره به بیانیه‌ای که از سوی مجاهدین خلق در لندن انتشار یافت و در آن اعلام شد که سازمان مسئولیت این بمب‌گذاری را به عهده گرفته است، گفت: «فکر نمی‌کنم این بیانیه از سوی سازمان مجاهدین خلق باشد و در این مورد اطلاعی به من نرسیده است.»^(۴۱)

* پس از انفجار در ساختمان نخست‌وزیری دفتر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در لندن در اطلاعیه‌ای مسئولیت این اقدام را بر عهده گرفت. ظاهراً این اطلاعیه بدون هماهنگی با مسئولان سازمان در پاریس و با تعجیل خبرگزاری فرانسه به طور ناخواسته منتشر شده بود. (روزشمار ۱۳۶۰/۶/۸)

رادیو صدای امریکا نیز به نقل از سرمقاله روزنامه کریستین ساینس مانیتور، گفت: «باوجودی که هیچ گروهی مسئولیت بمب‌گذاری اخیر را به عهده نگرفته، باید گفت که دورکردن ملاحی که امور مملکت را در دست گرفته‌اند بیشتر با هدف چریک‌های سازمان مجاهدین خلق و رئیس‌جمهوری تبعیدی بنی‌صدر، جور است زیرا آنها می‌کوشند متعصبین و قشریون مذهبی را سرنگون سازند. بنی‌صدر معتقد است که دو مقام مقتول، خود، باعث‌وبانی این‌گونه خشونت‌ها بوده‌اند. ... بنی‌صدر اخیراً گفته بود که رجایی و باهنر جزء پنج نفری هستند که با کشته‌شدنشان پایه‌های حکومت رژیم اسلامی سست می‌شود. آیا این دعوت به خشونت ازسوی رهبری که خود را مخالف خشونت قلمداد می‌کند وی را شایسته رهبری ملت می‌سازد؟»^(۴۲)

از سوی دیگر، بخش عربی رادیو قاهره در انعکاس موضع سازمان درباره انفجار ساختمان نخست‌وزیری اعلام کرد: «سازمان مجاهدین خلق ایران مسئولیت حادثه انفجار را به عهده گرفته [است].»^(۴۳)

۵۷۸

با گذشت ۳۲ روز از فرار رجوی و بنی‌صدر از ایران و در اولین روز پس از انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت رجایی و باهنر، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با هدف القای جدی‌بودن جریان مقاومت در داخل کشور و جلوگیری از فروپاشی کامل اندک‌توان باقیمانده سازمان در ایران در یک اقدام کاملاً تبلیغاتی موسی‌خیابانی از اعضای اصلی سازمان را "رئیس مقاومت داخل کشور" نامید.

خبرگزاری فرانسه در این‌باره گزارش داد: «مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق، گفت این سازمان تصمیم دارد رژیم آیت‌الله خمینی را سرنگون کند و در حال حاضر این مسئله امکان‌پذیر است. وی سپس موسی‌خیابانی عضو کمیته مرکزی مجاهدین را به‌عنوان رئیس مقاومت داخل کشور تعیین کرد و همچنین خواستار تشکیل شوراهای ملی و مردمی در تمامی شهرهای ایران شد.»^(۴۴)

۵۷۹

در پی انفجار در ساختمان نخست‌وزیری، ابوالحسن بنی‌صدر در اطلاعیه‌ای با اظهار خرسندی از این حادثه، آن را نتیجه اقدامات جمهوری اسلامی ایران در برخورد با مخالفان دانست. خبرگزاری رویتر بخشی از این بیانیه را که در پاریس منتشر و تلفنی برای این خبرگزاری قرائت شده است، چنین منعکس کرد: «ایرانیان نباید اجازه دهند بحران خطرناک ایران بیش از این ادامه یابد، [بنی‌صدر] در بیانیه مذکور که به‌دنبال اعلام رسمی مرگ رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران منتشر شده خواستار انحلال مجلس، که دشمنان سیاسی بنیادگرای بنی‌صدر

اکثریت آن را تشکیل می‌دهند، شده است. رئیس‌جمهوری پیشین ایران اظهار داشت حادثه دیروز بازتاب شدید رفتار اخیر دولت در قبال چپ‌گرایان ... است. در بیانیه رئیس‌جمهوری پیشین ایران همچنین آمده است هم‌اکنون زمان آن است که مردم ایران که نگران اوضاع بحرانی کشور هستند اداره امور را در دست خود گیرند.»

رویتر در پایان آورده است: «این بیانیه که پیروزی را در ایران قریب‌الوقوع دانسته خواستار تعقیب مقامات قضایی کشور ... شده است. در بیانیه بنی‌صدر آمده است دادگاه‌های انقلابی باید وادار به تعطیل شوند و زندانیان سیاسی باید آزاد گردند. مسعود رجوی رهبر مجاهدین که با بنی‌صدر به فرانسه گریخته نیز در بیانیه خود به ملت ایران به‌خاطر پیروزی در ترور دو تن از رهبران کشور تبریک گفته است.»^(۴۵)

این خبرگزاری در گزارش دیگری به نقل از شماره امروز مجله امریکایی نیوزویک، اعلام کرد: بنی‌صدر از پیروزی قریب‌الوقوع خود در جریانات اخیر ایران خبر داد و گفت آیت‌الله روح‌الله خمینی در این تفکر که مردم ایران هرگز در مقابل او قد علم نخواهند کرد دچار اشتباه است. وی گفت من روزهای وحشتناکی را با فکرکردن در این باره که چگونه انقلاب از مسیر خود منحرف شده است سپری کردم. از خشونت بیزارم، ولی می‌دانم که اگر مقاومت نکنیم تمامی کشور و مردم آن قربانی این رژیم خواهند شد.^(۴۶)

۵۸۰

یک روز پس از حادثه انفجار در ساختمان نخست‌وزیری، بنی‌صدر در گفت‌وگو با رادیو فرانسه و در پاسخ به سؤالات ادوارد سابلیه مفسر و روزنامه‌نگار و رلدپالتو گزارشگر رادیو فرانسه، بار دیگر به تکرار ادعاهای خیال‌پردازانه خود درخصوص مسائل داخلی ایران پرداخت. بنی‌صدر در پاسخ به اینکه وی از هیچ‌گونه پایگاه و قدرت سیاسی سازمان‌یافته‌ای برخوردار نبوده و از همان آغاز کار در مقابل نظام شکست خورده است، گفت:

«به‌ظاهر چنین به نظر می‌آید، اما حقیقت چیز دیگری است. من سه نبرد داشتم من باید در جبهه غرب ایستادگی می‌کردم، من باید در برابر محاصره اقتصادی امریکا مقاومت می‌کردم و از طرف دیگر، من باید با روش استبدادی و فشار اختناق رژیم ملایان مبارزه می‌کردم، من توانستم استبداد و اختناق را ویران کنم، [امام] خمینی در آغاز ۹۹ درصد آرای مردم را به دنبال خود داشت. خود [امام] خمینی امروز گفت که در مراسم تشییع جنازه کشته‌شدگان عده بیشتری از سابق گرد آمده بودند. تعداد جمعیت برای [امام] خمینی یک اصل است، اما همان‌طور که می‌دانید وی دیگر قادر نیست مردم را به دور خود جمع کند. در نتیجه متوجه می‌شویم که این من بودم که توانستم این تغییر را به وجود آورم و این مسئله برحسب اتفاق نبود، بلکه برای این است که ملت دیگر علاقه و ارزشی برای گفته‌های [امام] خمینی چه در

مسائل سیاسی و چه مذهبی قائل نیستند.

مفسر رادیو فرانسه گفت: خبرگزاری‌ها گزارش کردند که در مراسم تشییع جنازه رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر رژیم قریب به یک میلیون نفر شرکت داشته‌اند، آیا این جمعیت انبوه دلیل پشتیبانی مردم ایران از [امام] خمینی نیست؟

بنی‌صدر پاسخ داد: بنا به اعتراف خود [امام] خمینی جمعیت امروز از جمعیتی که بار پیش به دعوت [امام] خمینی به خیابان‌ها ریختند بیشتر بوده و دفعه پیش جمعیت فقط دویست و پنجاه هزار نفر بود، حالا فرض کنیم که این بار جمعیت کمی بیش از دویست و پنجاه هزار نفر بوده، اصلاً بیایم فرض را بر این بگیریم که جمعیت یک میلیون نفر بوده و این در حدود بیست درصد جمعیت شهر تهران است. اگر دولت [امام] خمینی مردم را آزاد بگذارد که تظاهرات بکنند خواهید دید جمعیتی که برای درخواست آزادی و استقلال به خیابان‌ها خواهند آمد، چندین میلیون نفر خواهد بود، ... و ما هم تاکتیک مبارزات سیاسی خود را تغییر داده‌ایم و فعلاً از تظاهرات خیابانی خودداری می‌کنیم، به علاوه بیست درصد جمعیت تهران جمعیت ایران محسوب نمی‌شود. درحالی که مبارزه علیه رژیم [امام] خمینی در تمام شهرهای ایران شروع شده و در انتخابات اخیر بسیاری از شهرهای ایران اصلاً شرکت نکردند.

خبرنگار رادیو فرانسه پرسید: ارتش هنگام عزل شما از شما پشتیبانی نکرد و دست به قیام نزد بنی‌صدر گفت: من با قیام ارتش مخالفم زیرا در چنین صورتی یک حکومت خودکامه و دیکتاتوری نظامی جانشین یک حکومت استبدادی و خودکامه مذهبی می‌شود.

از بنی‌صدر سؤال شد که پس به چه ترتیب می‌خواهید قدرت را به دست بگیرید؟
بنی‌صدر جواب داد: هشتاد و پنج درصد مردم ایران طرفدار من هستند و با اتکا به همین ملت هست که من یک حکومت مستقل که معتقد به اصول آزادی باشد در ایران روی کار خواهم آورد.^(۴۷)

۵۸۱

در پی انتشار خبر حادثه بمب‌گذاری در ساختمان نخست‌وزیری و شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، سه گروه چپ فعال در داخل کشور شامل حزب توده، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم)* که در نفی مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی و نوع تعامل با نظام روش و مرام هم‌جهت و همسویی دارند، با صدور اطلاعیه‌های جداگانه‌ای این اقدام را محکوم کردند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه‌ای از حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به‌عنوان

* سوابق این حزب در روزشمار ۱۳۶۰/۵/۲۵ آمده است.

فاجعه‌ای یاد کرد که به‌وسیله امریکا و تفاله‌هایش انجام گرفته است و همگان را به هشیاری در حفظ جان مسئولان کشور فراخواند.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) نیز با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن این اقدام، آن را نتیجه جنایات خدمتگزاران امریکا دانست و اعلام کرد: «اقداماتی ازجمله راه‌انداختن اعتصابات و تظاهرات در شهرهای اروپایی و امریکا؛ راهزنی هوایی [ربودن چند هواپیما در روزهای اخیر]؛ راهزنی دریایی (ربودن ناوچه ایرانی تبرزین)؛ اشغال سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور و فعالیت‌های رادیویی علیه ایران و تشکیل سازمان‌های سیافرموده مانند سازمان مقاومت ملی ایران (گروه بنی‌صدر و رجوی)، گروه آزادگان، پارس، گروه ایران آزاد؛ تشدید موج ترور شخصیت‌های مذهبی، نمایندگان مجلس و پاسداران و... همه و همه صرف‌نظر از نیت گوناگون اقدام‌کنندگان آنها عملاً در خدمت نقشه واحدی می‌باشند.» در پایان این اطلاعیه، حزب وفاداری خود را به انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی ایران اعلام کرده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) نیز با صدور اطلاعیه‌ای این اقدام را از "رذیلانه‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین اقدامات شوم امپریالیسم امریکا و توطئه‌گران داخلی برای برهم‌زدن آرامش کشور و راه‌انداختن جنگ داخلی"، خواند. این سازمان نیز با اعلام وفاداری خود به نظام، خواستار توجه بیشتر مقامات به حفظ جان مسئولان و شخصیت‌های مؤثر جمهوری اسلامی ایران شد.^(۴۸)

۵۸۲

در شهر لاهور پاکستان، گروهی از دانشجویان ایرانی و شیعیان پاکستانی درحالی‌که در واکنش به شهادت رجایی و باهنر به تظاهرات پرداخته بودند و شعارهایی علیه امریکا، بنی‌صدر و میتران می‌دادند با پلیس درگیر شدند. در این درگیری حدود یک‌صد نفر دستگیر و پس از چند ساعت آزاد شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، مسئولان پاکستانی مراقبت‌های ویژه‌ای از سفارت فرانسه در اسلام‌آباد به عمل آورده‌اند و از هرگونه تظاهرات شیعیان در اعتراض به تصمیم فرانسه در مورد اعطای پناهندگی سیاسی به چند مخالف حکومت ایران ازجمله بنی‌صدر جلوگیری می‌کنند.

همچنین به گزارش خبرگزاری پارس از شهر دانشگاهی پونا در هند، بین دانشجویان مسلمان ایرانی و تعدادی از دانشجویان هوادار سازمان مجاهدین خلق (منافقین) مجادله و درگیری رخ داده است که در نتیجه چند نفر زخمی شده‌اند. در این حادثه پلیس کسی را دستگیر نکرده است.^(۴۹)

۵۸۳

خبرگزاری رویتر از لندن در تحلیلی درخصوص حادثه انفجار بمب در ساختمان نخست‌وزیری و شهادت رجایی و باهنر، این حادثه را بزرگ‌ترین آزمون تحمل و پایداری دولت ایران در مقابل دشمنی دانست که قادر است در مقر دولت هم نفوذ و به آن ضربه وارد کند.

در قسمتی از این تحلیل که خبرگزاری فرانسه آن را منعکس کرده، آمده است:

«در نظر رویتر مسئله و بحران انحصاراً در گرو مرگ دو شخصیت نیست، بلکه مسئله این است که قاتلین قادر به نفوذ در داخل دفتر نخست‌وزیری و کارگذاری بمب بوده‌اند. در مقایسه با بمب‌گذاری دفتر نخست‌وزیری می‌توان گفت بمب‌گذاری مقرر حزب جمهوری اسلامی از نظر نبود کردن شخصیت‌ها ضربه اساسی‌تری محسوب می‌شود. از میان رفتن آیت‌الله بهشتی و ۷۰ تن از دیگر اعضای حزب جمهوری اسلامی نتوانست تزلزلی در قدرت آن حزب ایجاد نماید. حزب جمهوری با صبری و تحمل ضایعه مذکور با انتخاب رجایی به‌عنوان رئیس‌جمهور و باهنر به‌عنوان نخست‌وزیر به قدرت خود افزود و مواضع خود را مستحکم کرد. رویتر سپس در تحلیلش نتیجه می‌گیرد که انفجار دیروز در دفتر نخست‌وزیری ثابت کرد موازین امنیتی شدیدی که طی دو ماه گذشته به اجرا گذاشته شده بود مانع از صدمه‌رسیدن و ضربه‌پذیری دولت نسبت به دشمنی که حاضر است جان‌ش را به‌خاطر ضربه‌زدن به رژیم به خطر اندازد، نشد.»

رویتر در ادامه ضمن اذعان به اینکه باوجود این ضربات، با تدبیر امام خمینی و تقویت رهبری جمعی، عاملان این حادثه موفق به ایجاد نارضایتی و طغیان مردم علیه حکومت نشده‌اند، افزوده است:

«پس از حادثه بمب‌گذاری مقرر حزب جمهوری اسلامی در ماه ژوئن گذشته [۷ تیر ۱۳۶۰] رهبران ایران از جمله آیت‌الله خمینی سعی بر این داشته‌اند که رهبری جمعی را تقویت کنند و تأکید می‌کنند که ازدست‌رفتن شخصیت‌های خاص به‌منزله پایان انقلاب نیست. ظاهراً تاکتیک کسانی که مسئول کشته‌شدن رجایی رئیس‌جمهور و دکتر باهنر هستند، آن است که هرچقدر مقام رهبری سرسخت باشد، ادامه تزلزل و ترور متقابل باعث شکاف در رده‌های دولت و برگردانیدن مردم علیه حکام خواهد شد. هم‌اکنون نیز گروه‌های مخالف در تبعید ادعا کرده‌اند که شکاف‌هایی در ارتش و روحانیون به وجود آمده است. این شکاف‌ها هنوز به طغیان‌های عمومی علیه جمهوری اسلامی تبدیل نشده‌اند.»^(۵۰)

۵۸۴

روزنامه *لوس آنجلس تایمز* (چاپ امریکا) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی واقع‌بینانه اوضاع ایران" وضعیت جاری ایران را از هم پاشیده توصیف کرد و مدعی شد مناقشات کنونی کشور زمینه را برای سرنگونی نظام و تفویض قدرت به یک نظام نوین آماده می‌سازد.

نویسنده در این مقاله - که پیش از حادثه انفجار در ساختمان نخست‌وزیری نوشته شده است - درعین‌حال که درصدد توجیه دلایل بمب‌گذاری‌های مخالفان نظام است، هم‌زمان به ازهم‌گسیختگی و درهم‌ریختگی وضعیت اپوزیسیون خارج از کشور هم اشاره دارد. او در پایان بدون نتیجه‌گیری قطعی درباره اینکه آیا گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی به‌رغم وحدت رویه در ضربه‌زدن به منافع ایران، قادر به سرنگونی نظام هستند یا خیر، این امر را منوط به درگذشت امام خمینی می‌داند. در بخشی از این مقاله آمده است:

«وقتی که اوضاع جاری ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد، یک کلمه بیش از هر واژه دیگری در گوش طنین‌انداز می‌شود و آن "ازهم‌پاشیدگی" است. ناظرانی که حتی کوچک‌ترین اختلافات سیاسی ایران را از نظر دور نمی‌دارند، حالا دیگر متقاعد شده‌اند که مناقشات کنونی این کشور زمینه را برای سرنگونی رژیم و تفویض قدرت به یک "نظام نوین" آماده می‌سازد. وحدت و قدرت رهبران رژیم ایران در سقوط و بقای آنها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد درحال‌حاضر صدرنشینان روحانی حزب جمهوری اسلامی کاملاً متحد هستند و انسجام تشکیلاتی آنها تا به حدی است که همواره هویت تصمیم‌گیرندگان اصلی در ابهام و راز باقی می‌ماند. ازاین‌رو، مخالفان ناچاراً از شیوه‌های بمب‌گذاری، حملات ناگهانی و تیراندازی استفاده می‌کنند با این امید که بتوانند به حلقه‌های حساس در سلسله‌مراتب قدرت روحانیون ضربه‌ای وارد آورند.

روحانیون همچنین از وفاداری سپاه پاسداران انقلاب که اکثراً از جوانان طبقه پایین تشکیل یافته‌اند برخوردار هستند.

برخلاف جبهه خلل‌ناپذیر روحانیون، نیروهای اپوزیسیون ایران مدت‌هاست که به‌صورت وحشتناکی از هم پاشیده شده است و به همین دلیل مسافرت مسعود رجوی رهبر جنبش مجاهدین و ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور پیشین به فرانسه، به‌عنوان گامی درجهت وحدت‌بخشیدن به صفوف چپ‌گرایان که لازمه یک هجوم موفقیت‌آمیز علیه رژیم [امام] خمینی است تلقی گردیده است.

از قرار معلوم، کلیه گروه‌های مخالف در ایران هرکدام به‌طور انفرادی و با توسل به خطوط مشی انحصاری به ستیزه‌جویی در برابر دولت پرداخته‌اند. رهبر یکی از گروه‌های دانشجویی مخالف در گفت‌وگویی با پال هیگنز گزارشگر روزنامه اظهار داشت: "هر سازمانی که بتواند نمایندگان جمهوری اسلامی را در سفارتخانه‌های خارج از ایران مورد حمله قرار دهد، درنگ نخواهد کرد. گاهی اوقات اتفاق افتاده است که دو سازمان در آن واحد به یک هدف هجوم می‌برند و... خوب در یک چنین مواقعی گروهی که پیش از دیگری وارد عمل شده است حق تقدم دارد. مثلاً در آنکارا سازمان ما و در وین هواداران فدائیان خلق زودتر از همه خود را به

سفارت رسانده بودند و به اعتقاد من در برلین و بن طرفداران سازمان مجاهدین ابتکار عمل را به دست خود گرفته بودند. این سیاست همه سازمان‌های (مخالف با دولت ایران) است." بنی‌صدر، رجوی و دیگر رهبران اپوزیسیون در جهت مخالف جریان زمان حرکت می‌کنند. آنها به‌خوبی می‌دانند که از عمر [امام] خمینی مدت زیادی باقی نمانده است. اگر [امام] خمینی بمیرد مبارزه مجاهدین و حامیان بنی‌صدر پیش از آنکه به انحصار قدرت بینجامد، از میان خواهد رفت.^(۵۱)

۵۸۵

مجله عربی *الدستور* (چاپ لندن)، که از حمایت‌های مالی رژیم عراق بهره‌مند است، مصاحبه‌ای اختصاصی با طه یاسین رمضان معاون اول نخست‌وزیر و فرمانده کل نیروهای شبه‌نظامی عراق، انجام داد.

معاون اول نخست‌وزیر عراق با وجود زمین‌گیر شدن ارتش عراق در خاک ایران و ناتوانی نیروهای رژیم بعث در حفظ مواضعشان و اجرای چند عملیات موفق نیروهای ایرانی به‌ویژه پس از عزل و فرار بنی‌صدر به فرانسه، مدعی شد که موفقیت‌های ارتش عراق در خاک ایران ادامه دارد، وی همچنین از گسترش روابط این کشور با فرانسه و شوروی سخن گفت. بخشی از این مصاحبه که در آن به موضوع جنگ پرداخته شده به این شرح است:

«*الدستور*: وضع ارتش عراق پس از گذشت یک سال از جنگ را چگونه می‌بینید؟ و آیا این جنگ نسبت به ارتش عراق یک جنگ فرسایشی و طاقت‌فرسا نیست؟

رمضان: درواقع هر جنگی که به درازا کشد یک جنگ فرسایشی و طاقت‌فرسا نیست، به‌خصوص درحالی‌که هنوز ارتش عراق عملیات نظامی خود را در خاک ایران علیه نیروهای نظامی این کشور به‌خوبی ادامه می‌دهد، ادامه وجود ارتش عراق در داخل خاک ایران، وسیله فشار علیه این کشور جهت به‌رسمیت شناختن حقوق و حاکمیت عراق بر آب و خاک به شمار می‌رود و هرگز به معنی به‌بن‌بست رسیدن جنگ نیست. به‌بن‌بست رسیدن جنگ بدین صورت است که ارتش یک کشور نتواند به هدف‌های مورد خواست خود برسد، و درضمن طرح‌های عمرانی و اقتصادی آن کشور متوقف شود، درحالی‌که ارتش عراق به هدف‌های مورد نظر خود رسیده است و درضمن طرح‌های عمرانی و اقتصادی خویش را ادامه می‌دهد.

«*الدستور*: مواضع مصرانه مقامات ایرانی در برابر قبول هرگونه پیشنهاد انجام مذاکره جهت خاتمه‌دادن به جنگ را چگونه تجزیه و تحلیل می‌کنید؟

رمضان: رژیم ایران با اصرار بر ادامه جنگ، درواقع ماهیت خصمانه خویش را به جهان ثابت می‌کند، آنها با مداخله در امور داخلی عراق و زیرپا گذاشتن حاکمیت عراق بر شط‌العرب [اروندرو] ثابت کردند که اهل صلح و برقراری امنیت در جهان نیستند.

رهبران رژیم ایران با اعلام بسیج همگانی به مردم ایران جهت آمادگی برای واردشدن در

یک جنگ دورودراز نشان دادند که قصد آنها فقط جنگ با عراق نیست، بلکه جنگ با سایر کشورهای منطقه است، هدف اصلی آنها به اصطلاح خودشان صادر نمودن انقلاب خویش به سایر مسلمانان جهان و در رأس آنها عراق می باشد. بنی صدر که هم اکنون اظهار می دارد [امام] خمینی مسبب اصلی جنگ می باشد، وقتی که رئیس جمهور رژیم بود جرئت گفتن این سخن را نداشت، چون هرکس از مسئولان ایرانی بخواهد درباره آتش بس و اجرای مذاکره جهت پایان دادن به جنگ لب بگشاید فوراً سرنگون می شود. علت اصلی سرنگونی بنی صدر همین مسئله بوده است. وی خواستار افشای واقعیت جنگ به مردم ایران بود، ولی فوراً از مقام ریاست جمهوری عزل گردید. آنچه از اظهارات اخیر بنی صدر پیداست، رهبران رژیم ایران سعی می کنند برای تحقق رؤیاهای خویش مردم ایران را با شعار و فریب به یک جنگ دورودراز مشغول سازند، در این میان مردم ایران می باید خود را از سلطه رهبران کنونی آزاد کنند و خود سلطه کشور خویش را به دست افراد راستین واگذار کنند، عراق آماده پشتیبانی از مردم ایران برای تحقق این امر می باشد. و در صورت به کار آمدن حکومت جدید هر دو کشور هم جوار ایران و عراق می توانند روابط دوستانه و مسالمت آمیز خود را ادامه دهند.

الدستور: جنگ ایران و عراق بر روابط عراق با کشورهای عربی چه اثراتی گذاشته است؟
 رمضان: کشورهای عربی متأسفانه در طول تاریخ همیشه در یک حالت متفرق و از هم پاشیدگی به سر برده اند، ما مواضع بعضی از کشورهای عربی در قبال دشمن صهیونیسم را مشاهده کرده ایم که چگونه به طور پنهانی از آن رژیم حمایت می کردند، هم اکنون این پدیده نیز به خوبی نزد بعضی از کشورهای عربی به خصوص سوریه و طرفداری آشکار وی از دشمن - فارس ها - یافت می شود. هرکس از اعراب در برابر دشمنان اعراب نایستد خائن است.

الدستور: نظر شما راجع به گسترش روابط فرانسه با اعراب از جمله با عراق چیست؟ گرچه روزنامه های عربی فرانسه را ظاهراً طرفدار اعراب و در باطن طرفدار اسرائیل دانسته اند.
 رمضان: ما نمی خواهیم موضع دولت جدید فرانسه را ارزیابی کنیم، ولی آنچه آشکار است گسترش روابط فرانسه با اعراب از جمله با عراق در واقع به منافع فرانسه بیشتر خدمت می کند تا به منافع اعراب. موضع فرانسه در قبال اعراب بهتر از موضع متمایل به رژیم اسرائیل امریکاست. عراق گسترش روابط خود را با فرانسه براساس روابط عالی و گذشته این کشور با اعراب دانسته است و روابط آینده ما در این کشور بستگی به مواضع آینده این کشور نسبت به اعراب دارد.

الدستور: روابط شما با شوروی چگونه است؟ آیا دچار کمبود تجهیزات نظامی شده اید؟
 رمضان: در دیداری که اخیراً از شوروی داشتم گامی به سوی بهبود روابط ما با این کشور برداشتیم، امیدوارم در آینده روابط ما با شوروی بیش از پیش بهبود یابد، اما راجع به تجهیزات نظامی ما فعلاً هیچ کمبودی از این لحاظ نداریم و بیشتر از گذشته شده است.

الدستور: به عنوان فرمانده کل نیروهای شبه نظامی (میلیشیا) عراق، تعداد این نیروها به چه اندازه است و چه نقشی در جنگ دارند؟

رمضان: تعداد نیروهای شبه نظامی ما به ۳۳۰ هزار جنگجو رسیده است که بر انواع مختلف تجهیزات نظامی آموزش دیده اند و هم اکنون نزدیک به ۴۳ هزار جنگجو از این نیروها همراه نیروهای نظامی در جبهه های جنگ مشغول جنگ با نیروهای دشمن هستند، درضمن بین آنها تعدادی از افراد داوطلب کشورهای عربی نیز وجود دارند.^(۵۲)

ضمیمه اول گزارش ۵۷۵: روایت آقای هاشمی رفسنجانی از مراسم تشییع پیکر شهدای حادثه انفجار نخست وزیری و تأثیر آن بر مواضع سازمان مجاهدین خلق (منافقین)
آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، در سخنرانی پیش از دستور مجلس در روز ۱۰ شهریور ۱۳۶۰ درمورد حضور مردم در مراسم تشییع پیکر شهیدان رجایی و باهنر و تأثیر آن در مواضع سازمان مجاهدین خلق گفت:

«دیروز صبح [۹ شهریور]، خوب شما می دانید ما ساعت ۷ [صبح] اعلام کردیم که رئیس جمهور وقت و نخست وزیر شهید شده اند، هیچ تبلیغ و پروپاگاندی هم برای کشاندن مردم به خیابان ها نداشتیم و خیلی ها به ما اعتراض می کردند که خوب یک فرصتی به مردم می دادید [برای اطلاع رسانی و تجمع] ... ما سه ساعت وقت داشتیم ... شما دیدید که چه جور مردم آمدند. ... رادیو لندن هم که همیشه حقایق را تحریف می کند مجبور می شود که دست کم بگیرد، بگوید که بیش از یک میلیون نفر جمعیت [شرکت کردند] ... دیروز هیچ کس نگفت، امام هم نگفته بودند، تبلیغ هم نشده بود، ائمه جماعت هم نگفته بودند، رادیو هم نگفت مردم بیایند. مردم خودشان بودند. این، مردم اند و این، جامعه است. دشمن هرچه کور باشد این را می فهمد و می بیند. ضدانقلاب [سازمان] به خاطر همین وضعی که می بیند جرئت اعلام رسمی عملیات خودش را هم نمی کند. یک چنین عملیاتی اگر ... کمی ارزش مردمی داشت، برای ثبت در تاریخ هزار بار بزرگ می کردند و مسئولیتش را می پذیرفتند. در لندن، شاخه مجاهدین خلق اعلام می کند که ما بودیم. رجوی فراری در پاریس می گوید ما نبودیم. یعنی وضع چنین است که باز [مجبورند] منافقانه حتی با این کارشان هم برخورد کنند. اعلام مسئولیتش را هم نمی توانند بکنند.»^(۵۳)

ضمیمه دوم گزارش ۵۷۵: شیوه نفوذ مسعود کشمیری در نهاد نخست وزیری

پس از حادثه انفجار در ساختمان نخست وزیری، اعلام شد که سومین جنازه متعلق به مسعود کشمیری دبیر شورای امنیت کشور و از حاضران در جلسه بوده است، اما در بررسی های بعدی مشخص گردید وی عامل اصلی بمب گذاری در ساختمان نخست وزیری بوده و دقایقی قبل از انفجار محل را ترک کرده و متواری شده است.^(۵۴)
برای شناخت بهتر کشمیری که از افراد نفوذی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در نهاد نخست وزیری بود، در ادامه مطالبی از کتاب سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام که بیانگر شیوه نفوذ او در این نهاد است، آمده است:
«بعدها آشکار شد که مسعود کشمیری در اوایل انقلاب، از هواداران جنبش ملی مجاهدین بوده است؛ البته بعدها موقعیت روشن تری در سازمان پیدا کرده و به گفته یکی از دوستانش، دارای اسم رمز "مُجیب" بوده است. برخی افراد بعد از انتشار خبر نقش وی در انفجار نخست وزیری، شهادت دادند که او را در راه پیمایی های سازمان پس از پیروزی انقلاب و یا در دفتر سازمان دیده بوده اند. حتی فردی گزارش داد که وی را قبلاً در دفتر مسعود رجوی دیده بود. مهندس بهزاد نبوی در مصاحبه ای در این باره گفت: ... هیچ کس

از این سوابق کشمیری اطلاعی نداشت و هرکس سوابق وی را بررسی می‌کرد، از سوابق [ی]... که بعد از انقلاب به دست آمده بود، استفاده می‌کرد. این سوابق، همه نشان می‌داد که کشمیری عنصری فعال در نهادهای انقلاب بوده و متأسفانه همین امر یکی از مسائل اصلی انقلاب ما بوده و هست. روزهای اول پیروزی انقلاب، که ما در کمیته مرکزی فعالیت داشتیم، [حتی] یک ساواکی [هم] خیلی راحت می‌توانست در کمیته نفوذ کند؛ چراکه هیچ‌کس، اشخاص دیگر را نمی‌شناخت. ... این اشکالی بود که ما بعد از پیروزی انقلاب در خیلی از نهادهای انقلابی داشتیم.

سعید حجاریان که در آن زمان از اعضای گروه تحقیق و بررسی انفجار نخست‌وزیری بود و زیر نظر بهزاد نبوی کار می‌کرد، در مصاحبه‌ای درباره نفوذی‌های سازمان و کشمیری چنین گفته است: در ابتدای انقلاب، بچه‌های سازمان مجاهدین خلق در همه ارگان‌های حساس حضور داشتند، در دادستانی بودند، در دستگاه قضایی تا حد



عامل انفجار در ساختمان نخست‌وزیری

دستیار قاضی بودند، در حزب جمهوری [اسلامی] هم حضور داشتند. مرکزیت سازمان از مقطعی به بعد به نیروهایش اعلام کرد که غیرعلنی کار کنند و هویت سازمانی خود را پنهان کنند. کلاهی، کشمیری، جواد قدیری، عباس زری‌باف و تعداد دیگری از افراد، نظیر قاتل شهید قدوسی از نیروهای آنان بودند که بعداً مشخص شد در حزب، دادستانی، اطلاعات نخست‌وزیری و جاهای مختلف نفوذ کردند. کشمیری را آقای علی تهرانی [علی‌اکبر تهرانی] به ما معرفی کرده بود. البته ایشان هم شناختی از همکاری او با سازمان نداشت. کشمیری، پس از ورود به نخست‌وزیری، ابتدا در معاونت سیاسی - اجتماعی وزیر مشاور در امور اجرایی کار می‌کرد و پس از اینکه به‌عنوان یک عنصر حزب‌اللهی و مدیر شناخته شد، توسط دفتر اطلاعات و تحقیقات ارتقا یافت و عنوان دبیر اجلاس شورای امنیت را به دست آورد. در همین پست بود که توانست فاجعه ۸ شهریور را پدید آورد.

جالب اینکه این فرد قرار بود تصمیم‌گیرنده درمورد طرح بمباران رادیو مجاهد باشد و مسئول اجرای طرح بود - رادیو مجاهد که ایستگاه آن در سردشت و بوکان قرار داشت شناسایی‌ها و کروکی‌ها، همه به دست کشمیری می‌رسید و جلسات هماهنگی برای بمباران این رادیو را همین آدم اداره می‌کرد. اینها همه نشان‌دهنده آن است که چقدر به این آدم اطمینان شده بود. ... باید خیلی دقت شود تا امثال کشمیری، که خودش مأمور کشف عوامل نفوذی شده بود، این فجایع را به بار نیاورند.

حجاریان درباره کشمیری می‌گوید: کشمیری خیلی منظم بود و در تنظیم گزارش‌ها و صورت‌جلسات دقت فوق‌العاده‌ای داشت. این بود که وقتی برای دبیرخانه شورای امنیت ملی کسی را خواستند، اطلاعات نخست‌وزیری هم کشمیری را معرفی کرد. بعد از انفجار دفتر نخست‌وزیری بود که در پیگیری‌ها پس از آنکه مادر و خواهر کشمیری بازداشت شدند به ارتباطات خانوادگی او با سازمان دست پیدا کردیم. برادرهای همسر کشمیری در قصر شیرین عضو سازمان بودند و طبیعی بود که با امکانات کمی که ما در گزینش افراد در ابتدای انقلاب داشتیم، به این ارتباطات دست پیدا نکنیم.

برمبنای اطلاعات پراکنده‌ای که در مطبوعات و برخی کتب منتشره درج گردیده، خانواده کشمیری که اصالتاً از اهالی کرمانشاه بوده‌اند، دارای وضعیت فرهنگی و اخلاقی نامناسبی بوده‌اند. پدرش، سعید کشمیری، دارای سوء شهرت بود و در خانواده خود قیود اخلاقی را رعایت نمی‌کرد که پس از انقلاب به انگلستان رفت. برادر کشمیری نیز ساکن شهر منچستر در انگلستان بود. برادرزن (و پسردایی) کشمیری به نام ابوالفضل دلنواز

کاندیدای سازمان مجاهدین خلق [منافقین] برای نمایندگی مجلس از اسلام‌آباد غرب بود.* همسر کشمیری که دختردایی‌اش بود به نام مینو دلنواز هم‌زمان با انفجار نخست‌وزیری، توسط عوامل سازمان از محل سکونت خود به یک خانه تیمی انتقال داده شد و از طریق مرز زمینی عراق یا ترکیه به خارج از کشور گریخت.

سرهنگ محمدمهدی کتیه درمورد چگونگی نفوذ کشمیری و خصوصیات وی چنین گفته است: در اواخر سال ۱۳۵۷، از طرف نخست‌وزیری، عده‌ای را برای حفظ اسناد و مدارک سری و طبقه‌بندی‌شده در ارتش مأمور کردند. از جمله این افراد آقای کشمیری بود که با دست‌خط رسمی رئیس دفتر نخست‌وزیر وقت [مهندس بازرگان] به ارتش معرفی شده بود تا حفاظت از اسناد و مدارک نیروهای هوایی را بر عهده بگیرد. (رئیس دفتر نخست‌وزیری آقای حلیمی بود.) بدین ترتیب ایشان [کشمیری] کلیه اسناد سری و طبقه‌بندی‌شده نیروی هوایی، ضداطلاعات و حفاظت اطلاعات آن نیرو را در اختیار گرفت. ایشان تا کمی قبل از انفجار دفتر نخست‌وزیری در نیروی هوایی بود و با آقای محمد رضوی و آقای داداشی - که آنها هم از نخست‌وزیری معرفی‌نامه داشتند و در ستاد مشترک فعالیت اطلاعاتی و ضداطلاعاتی انجام می‌دادند - همکاری داشت. ... آقای کشمیری به این صورت وارد تشکیلات نظامی گردید و بعد از مدتی، کارش را در نیروی هوایی رها کرد و به شورای امنیت رفت. ... قیافه حق به جانبی داشت، با ریش محرابی قشنگ و صورت سرخ و سفید موجه که هرکس ایشان را می‌دید، فکر می‌کرد حتی نماز شبش ترک نمی‌شود. مطابق اطلاعات برخی از کارشناسان و مسئولان ذی‌ربط در زمان نفوذ کشمیری به ارتش، وی از اختیارات ویژه‌ای در رفت‌وآمد آزادانه به محل بایگانی اسناد طبقه‌بندی‌شده برخوردار بوده و پرونده‌های سری مربوط به پروژه‌های حساس آمریکایی‌ها در نیروی هوایی زمان شاه مانند پروژه HB یا IBEX توسط وی مورد دستبرد واقع شده بود. همچنین در سال ۶۱ توسط یکی از نمایندگان مجلس افشا شد که یک بار در گذشته کشمیری به‌هنگام انتقال اسناد سری در داخل کیف شخصی‌اش توسط یکی از افسران نیروی هوایی بازداشت شده بود، ولی به دستور باقری** فرمانده وقت نیروی هوایی، رها می‌شود.

خلاصه زندگینامه کشمیری و طرح انفجار در نخست‌وزیری در کتاب خاطرات حجت‌الاسلام ری‌شهری اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، به شرح ذیل می‌باشد:

مسعود کشمیری فرزند سعید، با شماره شناسنامه ۴۰۱، متولد ۱۳۲۹ از کرمانشاه، دارای مدرک لیسانس علوم اداری و مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران بود که از تاریخ ۱۳۵۱/۵/۲۳ تا اواخر سال ۱۳۵۳، با قراردادهای شش‌ماهه، به‌عنوان کارآموز در وزارت کار و امور اجتماعی شاغل بوده است.

وی قبل از پیروزی انقلاب، در یک شرکت خارجی [انگلیسی] کار می‌کرد و با پیروزی انقلاب و بازگشت خارجیان به کشورشان، شرکت مذکور منحل [گردید] و بنا به اظهارات خودش پس از پیروزی انقلاب، در جهاد سازندگی کار می‌کرده است. وی قبل از انقلاب توسط سپردایی خود معدوم ابوالفضل دلنواز (برادر همسرش)، جذب منافقین شد. ابتدا در بحث‌های خانوادگی از منافقین حمایت می‌کرد، لیکن به‌مرور زمان چهره‌ای حزب‌اللهی و حمایت از نظام را یافت. مدتی در نیروی هوایی، سپس در رکن ۲ ارتش جمهوری اسلامی و همچنین در دفتر نخست‌وزیری، شاغل می‌شود و تا دبیری شورای امنیت ملی ارتقای شغلی پیدا می‌کند. بعد از انفجار دفتر نخست‌وزیری، از بازرسی از منزل مسعود در شهرستان کرج، مقادیر

* وی در ۳۰ آذر ۱۳۶۰ در یک درگیری مسلحانه در تهران کشته شد.

** سرلشکر امیربهنم باقری، فرمانده نیروی هوایی تا سال ۱۳۵۹، از افراد مورد اعتماد بنی‌صدر بود که در حمله نظامی آمریکا به طیس به‌اتهام همکاری با آمریکایی‌ها مدتی بازداشت و در دادگاه انقلاب محکوم شد.

زیادی سلاح و مهمات [و اسناد طبقه‌بندی‌شده] کشف شد.»^(۵۵)

در قسمت دیگری از کتاب *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام مدارک و شواهدی دال بر اجرای این عملیات به‌دست مسعود کشمیری* آورده شده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

«چاپ "نامه یکی از قهرمانان عملیات ویژه (امضا محفوظ)" در نشریه مجاهد، که واقعیات زیادی در آن پیدا بود، مسئولیت مستقیم سازمان را در این‌گونه فجایع عربان‌تر ساخت. ...

در اینجا به مواردی از این نامه استناد می‌کنیم که نشان‌دهنده هویت نویسنده آن (مسعود کشمیری عامل انفجار در نخست‌وزیری) می‌باشد. ...

– طرح فرار و تعویق انفجار نخست‌وزیری

یادم می‌آید در اوایل مرداد ۶۰، که سازمان در آستانه اجرای یک طرح مشخص بود، ناگهان ... [مسئول سازمانی و رابط کشمیری با تشکیلات] تماس گرفت و به من گفت: "طرح اجرا نمی‌شود" و آن را به تعویق انداخت. او در وقت خداحافظی ضمناً به من گفت: «مژده‌ای هم برایت دارم که اگر بدانی، شور و عشق و ایمان بیشتری پیدا می‌کنی». هرقدر فکر کردم این مژده چه می‌تواند باشد، عقلم به جایی نرسید. با خود فکر کردم ممکن است ابلاغ عضویت باشد، یا مژده پیروزی عملیات دیگری در سازمان یا ... نمی‌دانم. چند روز بعد از این دستور، صبح که به ... [نخست‌وزیری] رفتم ... گفتند: دیشب رجوی و بنی‌صدر با هواپیمایی به خلبانی معزی، در فرودگاه پاریس به زمین نشسته‌اند. ... خیلی خوشحال شدم. داخل اتاقم آمدم؛ در را از پشت قفل کردم و سجده شکر به جای آوردم.

– طرح انفجار در نخست‌وزیری

در تاریخ ... بعد از مدت‌ها برادر قهرمانم [مهدی افتخاری] به خانه ما آمد. همه از دیدنش - به‌خصوص در جو خفقان و تنهایی خاص ما - خیلی خوشحال شدیم. نمی‌دانستیم چه هدیه گران‌بهایی برایم آورده است. او گفت: "اگر سازمان تصمیم بگیرد که طرح ... [انفجار در نخست‌وزیری] را به اجرا درآورد، تو چه طرحی داری؟" من هیچ طرح را بهتر از انجام عمل فدایی ندیدم و بلافاصله طرح را گفتم. اگرچه، هیچ‌وقت سازمان به خودم اجازه عمل فدایی [را] نداد، اما در آن لحظه که طرح را می‌گفتم، هیجان‌زده شده بودم. از مدت‌ها قبل روی این امر فکر کرده بودم و آن را اوج کار و ایفای مسئولیت می‌دانستم.

بنا به قول یکی از مسئولان ذی‌ربط آن زمان در جریان پیگیری تعقیب کشمیری، رد فرار همسرش و عوامل سازمان از یک خانه تیمی در نظام‌آباد تهران به دست آمد که در کرج و قزوین امتداد داشت. وقتی که مأموران به محل‌های تردد و اختفای آنان می‌رسیدند آنها قبلاً آن مکان‌ها را تخلیه کرده بودند، ولی به دلیل تعجیل در فرار مدارکی از آنها به دست می‌آمد. از جمله اسنادی که نشان می‌داد همسر کشمیری به همراه مهدی افتخاری در یکی از خانه‌های تیمی بوده‌اند و مسیر فرار آنها از سمت غرب کشور در کردستان بوده و خروج از طریق مرز عراق و سپس ترکیه صورت گرفته است.»^(۵۶)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۶۰/۶/۹

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۵.
۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۹، ص ۲؛ و - سند شماره ۴۹۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از شهربانی دزفول به فرمانداری دزفول، ۱۳۶۰/۶/۸، سند تک‌برگی؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۹، ص ۲.
۳. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۵.
۴. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۲، اهواز - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۱۰.
۵. همان، ص ۱۴.
۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۴.

۷. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۴.
۸. همان.
۹. همان، ص ۱۳؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۳.
۱۰. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۱۳؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۵.
۱۱. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۳؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۲.
۱۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۲؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴.
۱۳. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۱۵.
۱۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۳.
۱۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۵، ص ۴.
۱۶. سند شماره ۳۲۸۶۶۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از استاندار لرستان به وزارت کشور (اداره کل سیاسی)، ۱۳۶۰/۶/۱۰، سند تکبرگی.
۱۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴.
۱۸. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، صص ۸ و ۹، مشهد - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۱۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴.
۲۰. همان.
۲۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۹، کرمانشاه - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۲۲. همان، ص ۷، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۲۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۷، ص ۲؛ و - سند شماره ۲۶۲۳۰۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از روابط عمومی ستاد منطقه ۳، ۱۳۶۰/۶/۹، ص ۱.
۲۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۲؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۷، ص ۲.
۲۵. سند شماره ۵۲۰۳۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه منطقه ۹ (شیراز) به فرماندهی سپاه مرکز، ۱۳۶۰/۶/۱۱، سند تکبرگی؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۸، شیراز - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۲۶. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۳.
۲۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۳.
۲۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۲.
۲۹. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۷، کرمانشاه - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۳۰. سند شماره ۳۲۸۶۶۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۱۳.
۳۱. سند شماره ۵۱۹۸۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۳ (چالوس) به ستاد
- مرکزی سپاه (مرکز فرماندهی)، ۱۳۶۰/۶/۹، سند تکبرگی.
۳۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۳.
۳۳. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۸، شیراز - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹؛ و - سند شماره ۵۱۹۸۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه مشهد به فرماندهی سپاه مرکز، ۱۳۶۰/۶/۹، سند تکبرگی؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۸، ص ۳.
۳۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی^(ع))، جلد ۱۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم ۱۳۸۹، صص ۱۴۰ - ۱۳۴.
۳۵. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۵، ۱۳۶۰/۶/۱۱، صص ۱۳ و ۱۴، تهران - فرانس پرس، ۱۳۶۰/۶/۱۰؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۲.
۳۶. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۵، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴، ضمیمه، رادیو صدای آمریکا، ۱۳۶۰/۶/۱۰.
۳۷. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۱۵.
۳۸. اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات جهان، شماره ۱۳، ۱۳۶۰/۷/۱۲، ص ۳۷، به نقل از روزنامه اومانیته (چاپ پاریس)، ۱۳۶۰/۶/۹.
۳۹. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۲.
۴۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۱، پاریس - خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۰/۶/۹.
۴۱. همان، صص ۱۲ و ۱۳.
۴۲. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۵، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۱، ضمیمه، رادیو صدای آمریکا، ۱۳۶۰/۶/۱۰.
۴۳. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۲۳، ضمیمه، بخش عربی رادیو قاهره، ۱۳۶۰/۶/۹.
۴۴. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۲، پاریس - خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۰/۶/۹.
۴۵. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۵، لندن - رویتر، ۱۳۶۰/۶/۹.
۴۶. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، صص ۱۳ و ۱۴، پاریس - رویتر، ۱۳۶۰/۶/۹.
۴۷. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۷، ۱۳۶۰/۶/۱۳، صص ۱۷ - ۱۲، ضمیمه، رادیو صدای آزاد ایران، ۱۳۶۰/۶/۱۲.
۴۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۰، صص ۴ و ۱۴؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۷۴، ۱۳۶۰/۶/۲۰، صص ۴ و ۵، خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۱۹؛ و - نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، صص ۵ - ۳، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.

۴۹. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۱۶؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۶، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۱۵، دهلی‌نو - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۱۱؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۵، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۲۳، دهلی‌نو - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۱۰.
۵۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، صص ۱۶ و ۱۷، لندن - رویتر، ۱۳۶۰/۶/۹.
۵۱. وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات خارجی، شماره ۸۹، ۱۳۶۰/۷/۷، صص ۲۴ - ۲۲، به نقل از لوس‌آنجلس تایمز (چاپ امریکا)، ۱۳۶۰/۶/۹.
۵۲. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۸۴، ۱۳۶۰/۶/۳۰، صص ۵ - ۳، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۲۹.
۵۳. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴ - ۱۳۴۴)، به‌کوشش جمعی از پژوهشگران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۵، صص ۶۴۳ و ۶۴۴.
۵۴. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۵، ۱۳۶۰/۶/۱۱، صص ۱۳ و ۱۴، تهران - فرانس پرس، ۱۳۶۰/۶/۱۰.
۵۵. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام، پیشین، صص ۶۳۷ - ۶۳۲.
۵۶. همان، صص ۶۴۱ - ۶۳۷.